

خبرها

نمایشگاهی از آثار ده زن نقاش ایرانی در ابوظبی

بی‌بی‌سی: تاکتئون بارها گروه‌هایی از زنان هنرمند از کشورهای مختلف جهان در زمینه‌های مختلف هنری در امارات عربی متحده هنرنمایی کرده‌اند. ولی این نخستین‌بار است که یک گروه از زنان نقاش ایرانی نمایشگاهی از آثار خود را در ابوظبی برگزار می‌کنند. این ده زن نقاش ایرانی که در سال ۲۰۰۱ گروه هنری «دنا» را در تهران پایه‌گذاری کرده‌اند، به گفتهٔ «فرح اصولی» یکی از اعضای گروه هر کدام سبک خاصی را در نقاشی دنبال می‌کنند. اصولی در معرفی این هنرمندان گفت: «آنها نماینده سه نسل حرفه‌ای زنان در زمینه هنر نقاشی هستند و در مجموع ده رشته از نقاشی را دنبال کرده‌اند.» او می‌گوید که آنها در دهه‌های چهل، پنجاه و شصت با فارغ‌التحصیل شدن از هنرستان‌ها و یا دانشگاه‌های هنرهای زیبا، گروهی هنری–آکادمیک در زمینه‌های مختلف نقاشی از کلاسیک گرفته تا مدرن را تشکیل داده‌اند. این گروه تاکنون ۲۸ نمایشگاه در ایران، اروپا و نیز کشورهای عربی برپا کرده است. فرح اصولی خود در کارهایش از مینیاتور قبل از دوران صفویه الهام گرفته است. او می‌گوید که سعی کرده است تا با نگاهی جدید و با درهم شکستن زمان و مکان در مینیاتور آثار جدیدی را که ریشه در گذشته دارد خلق کند. او می‌گوید که شخصاً در ایران به عنوان یک نقاش حرفه‌ای زن با مشکلی مواجه نبوده است و حتی احساس می‌کند که مردم در نمایشگاه‌ها از کارهای زنان هنرمند استقبال بهتری داشته‌اند. نمایشگاه نقاشی گروه «دنا» در ابوظبی، با حمایت دانشگاه ابوظبی، باشگاه هنرهای مدرن در امارات عربی متحده و بنیاد فرهنگی دولت امارات برگزار شده است.

مقام اول مسابقه جهانی کاریکاتور برای ایران

ایلنا: «شهرام رضایی» کاریکاتوریست اردبیلی که در مسابقه جهانی کاریکاتور کشور سوریه با موضوع «سیاست» شرکت کرده بود، مقام اول و جایزه طلایی این مسابقه را از آن خود کرد. ایلنا خبر می‌دهد که رضایی عضو خانه کاریکاتور حوزه هنری اردبیل است. او با دریافت مدال طلای دومین مسابقه بین‌المللی سوریه پنجاه و هشتمین جایزه ملی و بین‌المللی را به افتخارات خود افزوده است.

سارقان «جیغ» به زندان محکوم شدند

بی‌بی‌سی: دادگاهی نرژوی که به منظور رسیدگی به پرونده شش متهم به سرقت تابلوی نقاشی «جیغ» اثر «ادوارد مونک» در اسلو برگزار شده بود، روز سه‌شنبه سه نفر از شش متهم این پرونده را مجرم شناخت. مجرمان این پرونده با توجه به میزان نقش‌شان در این سرقت به تحمل ۴ تا ۸ سال زندان محکوم شدند. دادگاه سه متهم دیگر پرونده را تبرئه کرد. پنج نفر از این افراد به دست داشتن در سرقت موزه محل نگهداری تابلو متهم بودند و شخص ششم به دلیل خرید و فروش آثار مسروقه به دادگاه احضار شده بود. البته هر شش نفر مدعی بودند که نقشی در این سرقت نداشته‌اند. این دادگاه به قضایوت «آرنه لونگ» برگزار شد. پیتر تارالدسن که متهم بود سارقان و تابلو را با خودرو او محل دور کرده به هشت سال زندان، بیورن هون متهم به «طراحی» سرقت به هفت سال و پیتر روسن وینگ متهم به تهیه خودروی مذکور به تحمل چهار سال حبس محکوم شدند. دادستان برای استین اسکیول که به دزدیدن تابلو از موزه متهم بود و توماس ناتاس و مورتن هوگو یوهانسن که به تحویل و انتقال تابلوهای مسروقه متهم بودند، به ترتیب تقاضای ۹، ۳ و ۴ سال زندان کرده بودند که هر سه نفر با رای دادگاه از اتهامات وارده تبرئه شدند.

تابلوی «جیغ» همراه با اثری دیگر از مونک، با عنوان «تصویر مریم مقدس» در ماه اوت ۲۰۰۴ از موزه مونک در اسلو طی عملیاتی در ساعت کاری این موزه دزدیده



شد. این تابلوها پس از سرقت به محل نامعلومی منتقل شده‌اند و به‌رم تلاش بین‌المللی برای یافتن تابلوها هنوز ردی از آنها پیدا نشده است. پلیس برای پیدا کردن این تابلوها که ارزش آنها بیش از ۱۹ میلیون دلار برآورد شده، جایزه تعیین کرده است. پس از مفقود شدن تابلوی جیغ، رئیس موزه مونک از ربایندگان این تابلو خواسته بود که از این تابلوی ظریف با دقت مراقبت کنند. گمان می‌رود که فروش جیغ به علت شهرت فراوانش تقریباً غیرممکن باشد. پس از سرقت این تابلوی معروف مونک، سه تابلوی نقاشی دیگر از آثار این هنرمند از جمله تابلوی «پیران آبی» روز ششم مارس ۲۰۰۵ از هتلی در جنوب نروژ به سرقت رفتند. ادوارد مونک شهرت‌رین نقاش نروژ است که آثارش بر روی جنبش اکسپرسیونیسم قرن بیستم تأثیر زیادی داشته است. این نقاش مشهور در سال ۱۸۹۳ چند نسخه از تابلوی جیغ کشید که از ارزش ویژه‌ای برخوردار هستند. دوازده سال پیش نیز همزمان با برگزاری بازی‌های المپیک زمستانی در نروژ، نسخه دیگری از تابلوی جیغ روده شد، اما پس از مدت کوتاهی صحیح و سالم پیدا شد.

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

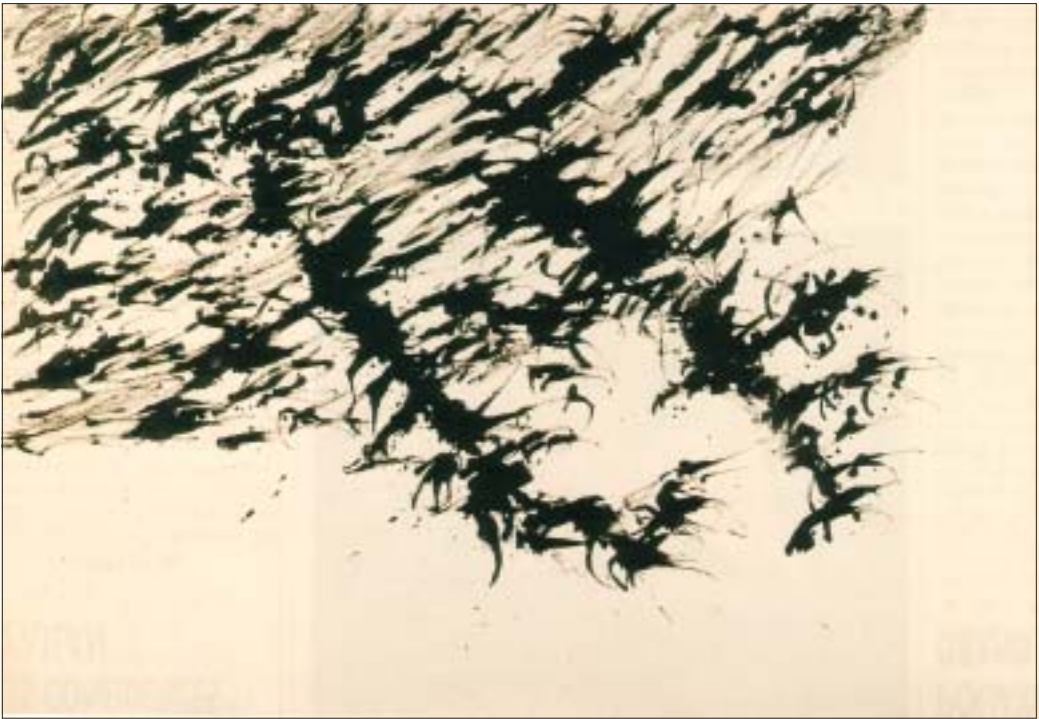
آتیه

آتیه

آتیه

آتیه

موسیقی و تجسمی



به بهانه نمایشگاه‌های صدر و عربشاهی

در خشت خام دیدند

شهرز نظری

بسیار شبیه نقاشان مد شده. اواخر دهه ۴۰ و دهه ۵۰ میلادی اما همین عجایب‌الخلقه‌ها فضای نقاشی ایران را دچار یک شک و تنش و در نتیجه واکنش فرهنگی متفاوت کردند. به راستی اگر این نام‌ها نبود تاریخ معاصر تجسمی ما چگونه می‌شد؟ ذکاوت آن نسل این بود که هر کدامشان یک هنرمند غریب را آغاز کار خود قرار دادند و الحق توانستند همین نگاه استراقضی را پس از چند دهه خودی کنند آنچنان که امروز تشخیص اینکه از کجا آغاز کرده بودند، دشوار به نظر می‌رسد!

یکی جورج ماتیو را انتخاب کرد، آن یکی سراخ پیر سولاز رفت، دیگری راجر بیزیه و آن یکی دیگر جاسپر جونز را برگزید. شاید حسن آدمی مثل سپهری این است که شیفتگی اش را پنهان نمی‌کند و همیشه به ما نشان می‌دهد که دلش کجا گیر کرده است. یک دوره عاشق فرانک کوپکا می‌شود و آن مربع‌ها و مستطیل‌های رنگین را می‌سازد، بعد فرانس کلین را



اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

گفت‌وگو با فرهاد فروتپیان کارتون‌نست ایرانی مقیم هلند

برای بوش کار بیشتری انجام نمی‌دهم

کیوان زرگری

می‌کردند یا برای دربار. چون کار هنری کار گران قیمتی بود. و پول هم برای انجام کارها در دست این دو گروه بود. پولدارها یا بورژواها. رامبراند با اینکه بورژوا بودو رفت و مسائل مردمی را کار کرد که در زمان خودش کاری انقلابی بود. مثلاً یک لاشه گوشت را می‌کشید در صورتی که همه در آن زمان می‌آمدند و صورت‌های زنان دربار را می‌کشیدند. البته رامبراند هر دو کار را انجام می‌داد. رامبراند خودش را در موقعیتی قرار داد که جامعه به آن احتیاج داشت و او این کمبود را با فعالیتش در کشور هلند جبران کرد. در ارتباط با ون‌گوگ هم باید بگویم‌که خود هلندی‌ها ون‌گوگ را به عنوان یک نقاش خوب نمی‌شناسند.

به عنوان یک آدم به‌خصوص شناخته می‌شود. به عنوان یک پدیده می‌شناسند. معتقدند که در آن زمان نقاشان خیلی بهتری از ون‌گوگ وجود داشته و اینها زیر سایه نام ون‌گوگ قرار گرفته‌اند. ولی ون‌گوگ چیزی داشته که اینها نداشته‌اند. من هم عاشق خودون‌گوگ هستم. هنوز خانواده خودون‌گوگ هم هستند. حتی همان ده و همان درختانی که در تابلوهایش می‌بینیم. رفتم او دیده‌ام. انسان‌هایی عین ون‌گوگ در آنجا هست. شاید این مطلبی که می‌گویم کمی شوخی به نظر بیاید ولی متأسفانه خودم آن را دیده‌ام. می‌دانید که ون‌گوگ دچار نوعی بیماری روانی داشته نه شخصیتی. این خصوصیتی است که در هلندی‌ها بسیار زیاد است. آدم‌های مثل ون‌گوگ را هر روز می‌توانی پیدا کنی. با همان قیافه و سر و وضع. به نوعی آنها یک نوع بیماری ملی دارند. تأثیری را هم که او در جامعه‌اش گذاشته این است که همه جامعه عاشق نقاشی‌اند. با اینکه پولی هم در آنجا برای هنر خرج نمی‌شود. همه به‌چه‌ها در مدرسه سراغ نقاشی می‌روند و گاه کارهایشان را در خانه‌هایشان و در روی در دیوار که می‌بینی گاهی از کارهای بعضی از ما‌ها خیلی بهتر است. چون این طوری بزرگ شدند. اکثر آدم‌خانه‌ها پدربزرگ یا مادربزرگی هست که نقاش بوده و حتی‌الکارش بر روی دیوار اتاق نوه‌هایش هست. در بعضی موارد

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵

اثر هنرمند ایرانی، ۱۳۸۵